

بقلم : آقای دکتر ابوتراب رازانی

نثر در عصر ما

(۱)

نثر پارسی که به تشویق خاندان ایراندوست سامانی در اواسط قرن چهارم هجری از افق خراسان آغاز خودنمایی کرد در اندک مدتی بهمت مردانی وطن پرست شاهکارهایی چون شاهنامه منشور ابومنصوری نثر ابوالمؤید بلخی (داستان گرشاسب) کتاب تاریخ سیستان . ترجمه تاریخ طبری ابوعلی محمد بن محمد بلعمی (۳۵۲ هجری) ترجمه تفسیر طبری بروزگار امیر منصور بن نوح (۳۵۰ - ۳۶۵ هجری) الاینیة ابن حدائق الادویه تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی . البارع فی احکام النجوم ابو نصر حسن بن علی قمی (۳۶۷ هجری) حدود العالم در علم مسالك و الممالک (۳۷۲ هجری) بوجود آورد و آسمان ادب ایران را که بر اثر نفوذ بیگانه تیرگی گرفته بود روشنائی و صفا بخشود نثر این عصر بزبان محاوره نزدیکتر بود و لطفی خاص داشت و نویسندگان هنوز از لحاظ جمله بندی پیرو شیوه نگارش عربی بودند ولی چنانکه قانون تکامل و ارتقاء را در خوراست این نثر ساده رفته رفته بنثر علمی و تاریخی و سبک منشیانه گرائید در این عهد بزرگانی نیز چون ابوریحان و ابوعلی قسمتی از آثار فکری خود را بزبان فارسی نگاشتند و نویسندگانی مانند ابونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی تا تاب و توان داشتند گامهای بزرگی در تکامل نثر پارسی برداشتند در مدت دو قرن فرمانروائی سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز نثر مدارج تحول و تکامل خود را می پیمود .

گرچه در آغاز این عصر کتب فارسی بشیوه تاریخ بیهقی و ترجمه طبری نگاشته میشد و با اندک دقتی تأثیر بلعمی و بیهقی در نگارش زین الاخبار گردیزی سیاستنامه خواجه نظام الملک قابوسنامه عنصر المعالی فارسنامه ابن بلخی با رسالات

ناصر خسرو و کیمیای سعادت غزالی مشهود و شباهتی در روش آشکار است ولی رفته رفته سبک منشیانه نصرالله منشی که حد فاصل طریقه گذشتگان (از لحاظ نویسندگی) و آئین متکلفانه آیندگان (از حیث آوردن امثال و شواهد عربی و فارسی) است مورد توجه قرار گرفت و زمینه برای مغلق نویسی صاحب مقامات حمیدی و نویسنده مرزبان نامه و مولف عقداالعلی فراهم آمد و آوردن سجع و رعایت مناسبات لفظی و معنوی بدیعی بوسیله عوفی در لباب الالباب آغاز گردید و نورالدین زبیری مؤلف تفثة الصدور باغلاق نویسی پرداخت و اوضاع را برای ظهور و صاف و نویسنده تاریخ معجم فراهم ساخت با این همه در همین عصر کسانی چون خواجه عبدالله انصاری در مناجاتها، عطار در تذکرة الاولیاء و عوفی در جوامع - الحکایات نثرهای سوزناک و روان و ساده مینگاشتند و همین اصل دردوران فرمانروائی مغول نیز که عصر مکتب تاریخ و صاف و جهانگشای جوینی است کاملاً دیده میشود چه در همین عهد کتاب گلستان و تاریخ گزیده و ترجمه رسائل اخوان الصفا و اخلاق ناصری و طبقات ناصری انتشار مییابد با این همه عصر مغول را دردوران کمال نثر منشیانه پارسی توان خواند و از آن پس نثر بسستی و در عصر صفویه به پستی میگردید زیرا هر چند در عصر جهاننداری صفویان نثر از حالت تکلف بیرون میآید از لحاظ تلفیق جمل و آوردن واژه های عربی و میل بآسان نویسی صورتی بی مایه و سست مییابد و آثار سبک هندی بویژه در عبارات نویسندگانی که در هند میزیستند هویدا میشود....

در اواخر قرن ۱۲ و اوایل قرن ۱۳ هجری در روش نگارش فارسی و انتخاب مضامین و موضوعات نثری تغییراتی شگرف پدید میآید و این تحولات مرسوم ارتباطی بوده که بمقتضای زمان از آمیزش با غربیان روی مینماید چه هنگام فرمانروائی فتحعلیشاه ملت ایران بانسه کشور روس و انگلیس و فرانسه رابطه نزدیک مییابد و بر اثر آمیزش های سیاسی و تجاری و آشنا شدن بعضی از ایرانیان

به پیشرفتهای علمی و صنعتی مغرب زمین حس تقلید از اروپائیان خاصه بین کسانی که بدان دیار رهسپار گردیده بودند آشکار و کم کم استوار میشود و ادبیات فارسی رنگی نوین مییابد و روزنامه بمعنی امروزی و چاپخانه سنگی و سربی پدیدار میگردد و با آنکه ظهور مطبعه در ایران باواخر دوران صفویه (توسط ارامنه اصفهان ۱۱۹۹ هجری) میرسد رواج چاپ با همت عباس میرزا در تبریز عملی میگردد و باید سال تأسیس چاپ سربی را ۱۲۷۷ و چاپ سنگی را ۱۲۵۰ هجری در آن سر زمین مردخیز انگاشت مهمترین عامل تجدد دارالفنون است که سال ۱۲۶۶ افتتاح مییابد و جزوهای معلمان برجسته این آموزشگاه از سال ۱۲۷۵ هجری ببعد برای چاپ بمطبعه علمیه (ناشر روزنامه علمی) اثری شگفت در پیشرفت تمدن و فرهنگ جدید بوجود میآورد.

این انتشارات نخست جنبه علمی دارد و بتدریج بترجمه نمایشنامههای مولیر و رومانهای ژول ورن و آلكساندرما حتی نگارش نمایشنامه های مستقلی منجر میشود بطوریکه پس از ترجمه «آتوردی» و «سیزانتروپ» مولیر و نمایش آندو میرزا جعفر قراچه داعی هفت نمایشنامه بسال ۱۲۹۱ بزبان فارسی مینگارد و با چاپ سنگی در يك جلد منتشر میسازد سه نمایشنامه هم از میرزا ملکم خان باقی میماند که بسال ۱۳۲۶ در پاورقی روزنامه اتحاد تبریز چاپ و نشر میشود در همین سال روزنامههای بنام «تیاثر» در تهران ایجاد میگردد که ماهی دوبار چاپ و در آن ضمن درج نمایشنامه ها از مضار استبداد و منافع آزادی سخن گفته میشود.

در این نهضت تجدد طلبی که بر اثر ارتباط با غربیان و ترجمه آثار آنان و مسافرت جوانان ایران بفرنگستان پیش میآید خواه ناخواه قرائح نویسندگان این سرزمین که قرنها در چهار دیوار معینی از مضامین محصور بوده کم کم بکار میافتد ساده نویسی رواج می یابد تمایل طبقه فاضله کشور بدانستن زبانهای بیگانه زیاد

میشود و روزنامه نویسان نیز الحق آتش تجدد خواهی د آزادمنشی را بانوشته‌های خویش در کانون دل مردم این آب و خاک برای رسیدن بدر گاه گردنکشان نردبانی بعظمت فلک زیرپای اندیشه نیرنگ نهادند و باز هم بمقصود نمیرسیدند روشن میساختند و بر ارکان زور گوئی و جور و عناد نخست با کنایه و سپس با صراحت تام می تاختند و در نتیجه آشنائی خلق بزنگی ساکنان دیگر افکار جهان و دانستن سوانح انقلابات فرانسه و انگلستان نغمه مشروطه خواهی از این سرزمین برخاست و سرانجام پایه اقتدار سایه‌های خدارا فرو کاست در این کشمکش نمیتوان از نقش اختر که بسال ۱۸۷۵ در اسلامبول چاپ میشد، قانون پرنس ملکم خان که در سنه ۱۸۹۰ در لندن منتشر میگردد حبل‌المتین که در ۱۸۹۳ در کلکته خود نمائی کرد ثریای قاهره که بتاریخ ۱۸۹۸ طبع شد و بالاخره پرورش که در ۱۹۰۰ چاپ گردید و نیز از مقالات و اشعار کاوه صور اسرافیل نسیم شمال مساوات و نو بهار سخنی بمیان نیاورد این جراید و بسیاری روزنامه و مجله و مقاله و شب نامه و مخصوصاً نطقهای بلیغ و آتشین و اعظان برجسته خدمتی بزرگ به نهضت آزادی خواهی ایزانین کردند و راه تحقیق در آثار مغرب زمینی‌ها را بمردم مشرق نمودند و سبک نوی که عبارت از : ساده نویسی آوردن لغات بیگانه و تقلید از افکار آنان بود بوجود آوردند

اینک که از نثر فارسی و تحولاتیکه در طی قرون متمادی بآن راه یافته و عوامل مؤثر تجدد طلبی سخن گفتیم باید بمحقق مراحل و کیفیت نفوذ شیوه نگارش غرب در نوشته‌های فارسی پرداخت و موارد نفوذ را آشکار ساخت برای توضیح این قسمت هر گاه روش نگارش فارسی را هنگام ظهور تجدد و آغاز ارتباط با مغرب زمینی‌ها روشن سازیم و به بیان خصوصیات آن بپردازیم و سپس بذکر کیفیت نثر کنونی بیاغازیم مراحل تأثیر آشکار و جریان تقلید بخودی خود پدیدار میشود .

بزعم نگارنده مکتبی که شادروان سیدالوزراء قائم مقام فراهانی متخلص به ثناسی و متولد ۱۱۹۳ و متوفی بسال ۱۲۵۱ (دو سال پیش از انتشار نخستین روزنامه) بوجود آورد درجه کمال نثر پارسی و نماینده کاملترین روش نویسندگی پیش از ارتباط ادبی با مغرب زمین است این سبک که در دوران خود قائم مقام هم شهرت جهانی یافته و دانشمندان و نویسندگان چون امیر نظام حسینعلی خان وزیر فوائد گروسی متولد ۱۲۶۳ و ابوالحسن میرزا معروف بشیخ رئیس متولد ۱۲۶۴ پیرو این مکتب پر ابهت بوده اند دلکش ترین طریقه ای است که تا این زمان در نثر فارسی بویژه در نامه نگاری پدید آمده و ما با آوردن نمونه هائی از اثرات خامه معجز نمای وی و پیروانش می پردازیم تا بدینوسیله عظمت مکتبش را آشکار سازیم و بسایر قسستها دست یازیم.

مرحبا ای عشق خوش سودای ما ای دواى جمله علتهاى ما
ای علاج نخوت و ناموس ما ای تو افلاطون و جالینوس ما

کارهای روزگار ما همه نو و تازه است و مایه حیرت و تعجب بی اندازه جناب میرزا محمد جعفر حکم و فتوی نوشته و از حضرت اعلیٰ بعض امضاء مقرون گشته است که هر کجا خسته ورنجور است در موکب منصور نماند تا علت و با درموقف والانیفتد میهمان خیر و آگاه از قواد حریم در گاه باین کار معین و مکلفند که هر که را عارضه و زحمتی رسد فوراً خبر میکنند سبحان اله پس چرا باین شدت از دل من غافلند که خود مایه و با و طاعون است و عاجز کن ارسطو و افلاطون.....
(نقل از منشآت قائم مقام)

مخدوما مکرما بیکاری و بی شغلی شما از راه مضایقه نبوده خودتان میدانید که من رعایت احترام و حفظ مقام شما را بر خود لازم میدانم و از هیچ نوع محبت و مهربانی مضایقه ندارم از این هدیه که فرستاده اند نهایت امتنان حاصل شد و چون

هدایا و تشریفات مرحوم مغفور وقایع نگار برای دوستان مخلصین خودشان منحصر بحلوی گز بوده و بایک قرص آن کام چندین نفر را شیرین میکرد نخواستم که از رسم مألوف و عادت معهود ایشان تجاوز نمائید لذا بهمان جعبه های گز بی مغز کفایت کرده ممنون شدم و گردانگه های چای را اعاده دادم والسلام خیر ختام... (نقل از منشآت امیر نظام)

مخدوم معظم مهربان از مکالمات پریروز با آن تعهدات صادقانه نتیجه ای ظهور نکرد اگر چه یقین دارم جمع تصورات بی تکلیف بنده را بیلاغ جمیل ابلاغ کرده اند ولی دلم میخواهد نتیجه آن صحبتها را کتباً بالاخصاص خدمت شما زحمت بدهم که ارائه نمائید مخلص شمارا اگر کسی نسبت بدهد که وظیفه شناس نیست و آداب نمیداند بلاشبهه خرق اجماع کرده و قرع اسماع زیرا که بفضل اله تعالی امروز اگر قلم بردارم حقوق و حدود دول را میتوانم تحدید کرد چگونه میشود بعد از سی سال مجاورت آستان قدس شئون و اختصاصات مقام منیع و موقع رفیع تولیت جلیله عظمی را ندانم... (نقل از منشآت شیخ الرئیس)

از این نمونه ها برمیآید که اگر امروز نیز با همه تکامل معنوی و وسعت سطحی که در شیوه نگارش پارسی پدیدار گشته کسی خامه بدست گیرد و در صد نگارش نامه ای منشیانه بر آید جز دقت بیشتری در استعمال واژه های فارسی چیزی برسبک قائم مقام و پیروانش نتواند افزود...

ناتمام

من دگر شعر نخواهم بنویسم که مگس
زحمتم میدهد از بسکه سخن شیرین است
(سعدی)